

**Comparative Studies  
in Jurisprudence,  
Law, and Politics**

## **Comparative Study of Political Crime with a Political Motive Approach in the Laws of Iran and the United States**

1. Abbas Gisuee: PhD Student, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Mehrdad Raijian Asl\*: Assistant Professor, Department of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: m\_rayejian@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Mohammad reza Elahi Manesh: Assistant Professor, Department of Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### **ABSTRACT**

The emergence and manifestation of political crime in a country's substantive laws can be examined during the Constitutional Revolution period. Article 79 of the Constitutional Law Amendment of Constitutional Iran was the first step toward recognizing political crimes and criminals in Iran. This occurred while the American common law system had a longer history of defining political crime and criminals. Therefore, with legislative developments, the legislator's intention in passing the Political Crimes Law approved in 2016 demonstrated that, in proportion to the United States system where political criminalization in its laws adopts a less prominent approach, differentiating between two motives—perpetrators' motives in crimes attributed to disturbing public order and motives aimed at reforming the country's political affairs—allows for a differential approach between the punishment of political and security crime perpetrators. Consequently, an important question arises: to what extent is Iran's legislative approach to criminalizing political crime perpetrators, when confronted with the American legal system that pursues a security and repressive approach, aligned with principles related to human rights? Therefore, this article aims to explain and examine the differences between the two laws in addressing political crime perpetrators by reviewing the related approaches of Iranian and American laws concerning the motives of political crime perpetrators.

**Keywords:** *political crime, political criminal, political motive, political crime law, human rights*

How to cite: Gisuee, A., Raijian Asl, M., & Elahi Manesh, M. R. (2024). Comparative Study of Political Crime with a Political Motive Approach in the Laws of Iran and the United States. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(4), 239-253.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 12 November 2024  
Revise Date: 06 December 2024  
Accept Date: 16 December 2024  
Publish Date: 30 December 2024



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

## بررسی تطبیقی جرم سیاسی با رویکرد انگیزه سیاسی در حقوق دو کشور ایران و آمریکا

۱. عباس گیسویی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. مهرداد رایجیان اصل\*: استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. پست الکترونیک: m\_rayejian@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. محمدرضا الهی منش: استادیار، گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

ظهور و بروز جرم سیاسی را در قوانین موضوعه کشور می‌توان در دوران مشروطه واکاوی نمود. اصل ۷۹ از متمم قانون اساسی مشروطه ایران اولین قدم‌های به رسمیت شناختن جرائم و مجرمین سیاسی در ایران بود. این در صورتی بود که در نظام حقوقی کامن لا آمریکا تعریفی از جرم و مجرمین سیاسی عمری طولانی‌تر را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین با تحولات تقنینی نهایتاً اراده قانون‌گذار در تصویب جرائم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ نشان داد که به تناسب نظام ایالات متحده آمریکا که جرم انگاری سیاسی در قوانین آن رویکرد کم‌فروغ‌تری را به خود اختصاص داده است؛ با تفکیک دو رویکرد انگیزه مرتکبین در جرائم متناسب به اخلاف در نظم عمومی و انگیزه اصلاح امور سیاسی کشور می‌توان یک رویکرد افتراقی میان مجازات مرتکبین جرائم سیاسی و امنیتی ایجاد نمود. از این رو یک سؤال مهم طرح می‌شود آیا رویکرد تقنینی ایران نسبت به جرم انگاری مرتکبین جرائم سیاسی در مواجهه با نظام حقوقی آمریکا که رویکردی امنیتی و سرکوب‌گرانه دنبال می‌کند تا چه میزانی به اصول مرتبط با حقوق بشر نزدیک می‌باشد؟ بنابراین این نوشتار بر آن است تا با بررسی رویکردهای مرتبط با دو حقوق ایران و آمریکا نسبت به انگیزه مرتکبین جرائم سیاسی، تفاوت‌های دو قانون را در مواجهه با مرتکبین جرائم سیاسی مرتکبین سیاسی را مورد تبیین و بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: جرم سیاسی، مجرم سیاسی، انگیزه سیاسی، قانون جرم سیاسی، حقوق بشر

نحوه استناددهی: گیسویی، عباس، رایجیان اصل، مهرداد. و الهی منش، محمدرضا. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی جرم سیاسی با رویکرد انگیزه سیاسی در حقوق دو کشور ایران و آمریکا. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۴)، ۲۵۳-۲۳۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۲ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۶ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۶ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۰ دی ۱۴۰۳



آزادی بیان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول مرتبط با یک جامعه مدنی در تقابل باسیاست‌های اعمالی از سوی مقامات و ارکان یک حکومت موضوعی مهم و تأثیرگذار در روند توسعه حقوق مرتبط با آزادی‌های بشری به‌حساب می‌آید؛ چرا که تاریخ نشان داده است شروع هر انقلابی در گرو خفقان سیاسی و عدم توجه به نقدهای جامعه حاکم بوده است. از این رو باید در نظر داشت توجه به اصل حفظ آزادی‌های بنیادین افراد در بیان اعتراضات خود نسبت به جامعه حاکم یک موضوع مهم تلقی می‌گردد که مرز باریکی را میان حفظ حقوق فردی یا انگیزه افراد به‌منظور ارتکاب رفتار مجرمانه فراهم می‌آورد.

در یک نگاه کلی می‌توان مفاهیم برگرفته از جرم‌انگاری سیاست‌گذاران حقوقی مرتبط با انگیزه مجرمان سیاسی را در سه جریان مهم تفکیک نمود: جریان اول که مرتبط با حقوق مبتنی بر نظام کامن‌لا می‌باشد که در این رابطه نظام‌هایی چون انگلستان و ایالات متحده آمریکا از آن پیروی می‌نمایند. جریان دوم متعلق به کشورهای دارای حقوق رومی - ژرمنی می‌باشد که فرانسه و بلژیک از نمونه‌های مرتبط با آن هستند. جریان سوم هم مرتبط با نظام‌های تحت هدایت دیکتاتوری و توتالیتار می‌باشد که رویکردی جرم‌انگارانه را در پیش گرفته‌اند.

در سیر تحولات تقنینی موجود در کشور ما می‌توان دو برهه قبل از انقلاب و بعد از انقلاب را در رابطه با جرائم سیاسی برشمرد. باید به این مهم توجه نمود که قبل از انقلاب و در دوران پهلوی که سیستم‌های تقنینی نسبت به ادوار قبلی پیچیدگی‌هایی را به خود اختصاص داده بود؛ جرم سیاسی تعریف واحد و مشخصی نداشت و اصولاً این جرائم در دادگاه نظامی مطرح رسیدگی قرار می‌گرفت که همین روند شکلی نمادی بر برخورد امنیتی نسبت به اعتراضات شکل گرفته نسبت به سیاست‌های حاکم در زمان وقت محسوب می‌شد. با روی کار آمدن انقلاب اسلامی در ایران جرم سیاسی جای خود را در قانون اساسی پیدا نمود و نهایتاً در بهمن ۱۳۹۴ مجلس ایران برای اولین بار این جرم را در شش ماده تصویب نموده که در نهایت شورای محترم نگهبان هم در اردیبهشت ۱۳۹۵ با اصلاحاتی مصوبه مزبور مجلس را مورد تأیید خود قرار داد. در سیستم تقنینی ایالات متحده آمریکا که بر مبنای نظام کامن‌لا می‌باشد تعریف واحدی از جرم سیاسی مطرح نشده است و نظریه پردازان علم جرم‌شناسی در این کشور معتقدند که اصولاً جرم انگاری نسبت به حق نقد از سیاست‌های موجود روندی منافی با اصول مرتبط با حقوق بشر می‌باشد. این در صورتی است که در یک تناقضی آشکار ایالات متحده هر رفتاری را مبتنی بر انگیزه سیاسی مرتکب به شدیدترین نوع برخورد قانونی مجازات می‌کند. به‌طور مثال تدوین قوانینی همچون قانون خیانت، فتنه‌انگیزی و جاسوسی از مصادیقی هستند که اگر مرتکب در ارتکاب آن رفتارها به‌نوعی انگیزه سیاسی را دخیل نموده باشد مراجع آن کشور در برخورد با آن رفتارها از هیچ سیاستی دریغ نخواهند نمود و این سیاست ایالات متحده آمریکا در چگونگی برخورد با مرتکبین تحت تأثیر انگیزه‌های سیاسی نمودی بر این حقیقت می‌باشد که آن‌ها اقدام به تفکیک جرائم امنیتی از سیاسی نموده‌اند که قانون جرم سیاسی تصویب شده در ایران نقطه مخالف با رویکرد مشابه آمریکایی خود می‌باشد.

در ادامه مطالعات و پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده‌اند، مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با تطبیق دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، انگیزه مرتکبان جرائم سیاسی در حقوق کیفری دو کشور را بررسی می‌کند. در این راستا، با واکاوی ادبیات مربوط به این حوزه، از جمله قوانین و مقررات دو نظام حقوقی به بحث پرداخته می‌شود.

مطالب مقاله، بر این اساس، در سه بخش اصلی سازمان‌دهی شده‌اند. نخست، پیشینه شناسی جرم سیاسی در دو دوره اصلی پیش و پس از انقلاب ارائه می‌شود. سپس، نوبت به رویکرد شناسی تطبیقی به جرم سیاسی می‌رسد که جایگاه آن را در گفتمان جهان معاصر مشخص

می‌سازد. سرانجام، با تمرکز بر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، جایگاه جرم سیاسی و انگیزه آن، به دلیل تفاوت‌های ماهیتی آشکار بین این دو کشور، با بهره‌گیری از روش تطبیقی مجزا (نه مزجی) به بحث گذاشته می‌شود.

#### ۱. پیشینه شناسی

تحول مفهوم جرم سیاسی در حقوق ایران را می‌توان در گرو اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطه، در دو دوره‌ی حیات سیاسی ایران (میان انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی) قابل تشخیص است. در آغاز مشروطه که در قوانین غرب با دوران طلایی تعامل با مجرمان سیاسی قابل مقایسه بود، هنوز جرائم سیاسی در ایران به رسمیت شناخته نشده بود. در دوره اول حکومت پهلوی دوم و در زمانی که اروپا آخرین گام‌ها را برای پس گرفتن عفو مجرمان سیاسی برمی‌داشت در یک حرکت معکوس، اولین رویکردها به منظور شناخت بزهکاران و مرتکبان جرائم سیاسی در ایران برداشته شد. دوره دوم محمدرضا پهلوی مقارن با دوره‌ای می‌باشد که نظام‌های حقوقی اروپا در شرایط عبور به آخرین مرحله پیشرفت مفهوم جرم سیاسی و جایگاه تردید در اهمیت تفکیک و تمایز جرائم سیاسی و غیرسیاسی هستند. مفهوم جرم سیاسی در ایران هر دوره‌ای برجستگی بیشتری به خود گرفت و این موضوع تا بدان جا پیش رفت که نهایتاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تلاش برای تهیه آیین‌نامه‌ای در خصوص جرائم سیاسی در نظام جنایی کنونی ایران در نهایت منجر به تصویب قانون جرائم سیاسی در اردیبهشت ۱۳۹۵ شد و این موضوع در زمانی از تاریخ اتفاق افتاد که قوانین غرب اساساً تمایز بین جرم سیاسی و جرم عمومی را تصویب کرده بودند. بنابراین باید در نظر داشت که با توجه به تحولات تصویب جرائم و مجازات مرتکبین جرائم سیاسی؛ پیشینه تحولات مزبور را در ایران، نظام‌های غربی و آمریکا را مورد تبیین و بررسی قرار می‌دهیم:

#### ۱-۱. پیشینه جرم سیاسی در ایران

در کشور ایران در هیچ زمانی مجرمان سیاسی از ارفاق برخوردار نبوده‌اند و به جرم آن‌ها در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شد و تحقیقات مقدماتی مرتبط با آن جنایت از طریق سازمان اطلاعات و امنیت کشور انجام می‌گردید و همچنین در جلسات محاکمه خبری از هیئت عادلانه نبود و به متهمان حق داشتن وکیل هم داده نشد (Mohseni, 1996). پس از پیروزی انقلاب دیدگاه مثبت قانون‌گذار نسبت به مجرمان سیاسی را می‌توان از اصل یک‌صد و شصت‌وهشت قانون اساسی به دست آورد. از این رو در مباحث ذیل مراتب جرم سیاسی در ایران قبل و پس از انقلاب را مورد تبیین و بررسی قرار می‌دهیم:

#### ۱-۱-۱. در قانون اساسی مشروطیت

با شروع نهضت مشروطه و متعاقباً استقرار حکومت سلطنت مشروطه که از آثار آن، تحول و پیشرفت و تکامل شخصیت و فهم اجتماعی سیاسی مردم به شمار می‌روند، عملاً نخستین قانون اساسی کشور بعد از پیروزی مشروطه اول و قبول نمودن اجباری و امضای قانون اساسی و فرمان مشروطه به وسیله مظفرالدین شاه تشکیل گردید. همچنین در اصل‌های ۷۷ و ۷۸ اصل ۲۳ که می‌گوید در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود که شبیه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است؛ این اصل در واقع ترجمه اصل ۱۸ قانون اساسی بلژیک است که بیان می‌کند: هیئت منصفه در تمام موارد جنایی و جرائم سیاسی و جرائم مطبوعاتی شرکت خواهند نمود. باید در نظر داشت که با توجه به اینکه بنای این اصل وجود و حضور هیئت منصفه می‌باشد؛ ولی همچنین موضوعی در قانون وقت کشور ما نیامده است و این موضوع بدان معنی می‌باشد که در عرف تقنینی آن بازه زمانی قانون‌گذاران نسبت به انتقال مفاهیم قانونی از قانون کشور دیگر، تنها به موازینی استوار و توجه داشتند که همراه با سلاقی شخصی و گروهی خود باشد (Zandiyan, 2017).

### ۱-۱-۲. در قوانین موضوعه پیش از انقلاب

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ برگرفته از قانون اساسی مشروطیت، در برخی از مواد خود به تقلید از برخی از قوانین جزایی کشورهای اروپایی برخی مزایا و ارفاق‌های ویژه‌ای برای مجرمان سیاسی پیش‌بینی نمود به‌عنوان مثال طبق ماده ۲۶ به مجازات قانونی یا در قانون به مجازات سیاسی محکوم‌شده بودند قید "جاری" حذف گردید با همچنین در ماده یک آن قانون آمده بود که: «جنحه و جنایات سیاسی مطلقاً و همچنین جنحه و جنایات که درائتای انقلاب‌های سیاسی واقع شود ممکن است مورد عفو عمومی قرار گیرد ولی در هر مورد قانون مخصوص باید اجازه‌ی آن را بدهد.» به همین سبب بر اساس ماده آن قانون: «در جرائم سیاسی پادشاه می‌تواند نظر به پیشنهاد وزیر و تصویب رئیس‌الوزرا تمام یا قسمتی از مجازات اشخاص را که به‌موجب حکم قطعی محکمه صالحه محکوم شدند عفو نماید و نیز می‌تواند در جریان غیرسیاسی مجازات اشخاص را که محکوم به اعدام شدند را تبدیل به حبس نماید و مجازات اشخاص را که محکوم به اعدام شده‌اند را تبدیل به حبس یا اعمال شاقه نماید و مجازات سایر جرائم را یک درجه تخفیف بدهد و یا قسمتی از آن را تا ربع عفو کند.» که مشابه این ماده را البته با اندکی تغییر و تحول می‌توان در قانون خود شاهد اما آنچه بیشتر در قوانین آن دوره دیده می‌شود این است که سوءقصد به جان افراد در هر صورت جرم سیاسی محسوب نمی‌شود. بنابراین باید به این مهم توجه نمود که اگر صرف رفتار ارتكابی از فرد مورد نظر مشمول عنوان سوء قصد به جان مقامات سیاسی تلقی گردد؛ رفتار مزبور از موارد مرتبط با مسئولیت کیفری ناشی از قانون جرم سیاسی خارج است. با این وصف در این قانون همچنین در طی مواد ۶۰ الی ۹۲ تحت عنوان کلی (جنحه و جنایاتی که مضر به مصالح عمومی است و طی دو فصل جداگانه جرائم علیه امنیت مملکت و جرائم در مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی را بدون تصریح به سیاسی یا غیرسیاسی بودن آن‌ها مورد اشاره قرار داده بود.

### ۱-۱-۳. در قوانین پس از انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هجری شمسی و استقرار حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران و تهیه و تنظیم قوانین و مقررات جدید، جرم سیاسی جایگاه قانونی خود در قانون اساسی جدید را کماکان حفظ نمود. از این رو قوانین موضوعه در رابطه با جرم سیاسی را به‌صورت ذیل‌الذکر مورد تبیین و بررسی قرار می‌دهیم:

### ۱-۱-۳-۱. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جدید مفاد اصول قانون اساسی قبلی که مربوط به جرائم و مجرمان سیاسی بود با اندک تغییری تکرار گردید و این بار به‌موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی مقرر گردید، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت‌منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی تعیین می‌کند. از اصول دیگری که به‌تناسب، به جرائم سیاسی شخصیت‌های رسمی کشور اشاره نموده اصل یک‌صد و چهلم قانون اساسی است که مفاد آن استثنا نمودن جرائم سیاسی این شخصیت‌ها از حکم مقرر در اصل مزبور است (Mir Mohammad Sadeqi, 2009).

### ۱-۱-۳-۲. در سایر قوانین موضوعه

قانون راجع به مجازات اسلامی که جایگزین اصول کلی و عمومی حاکم بر مجازات مندرج در قانون مجازات عمومی سابق شد، عملاً نسخ قانون مجازات عمومی محسوب گردید و مواد ۲۶ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۸ قانون قبلی که به شکلی خاص به مجرمان سیاسی مربوط می‌شد نیز از درجه اعتبار ساقط گردید و جایگزینی برای آن‌ها پیش‌بینی نشد. مهم‌ترین قانونی که مقررات مربوطه به جرم سیاسی باید در آن بیان شود،

قوانین مربوط به مجازات اسلامی است که بعد از انقلاب چندین قانون در این مورد وضع گردید اما هیچ یک اشاره‌ای به این جرائم ننموده‌اند، مانند تبصره ۳ ماده ۳۷ قانون مزبور به مناسبت بحث از مجرمان عادی، از مجرمان سیاسی نیز یاد شده بود که البته این تبصره نیز در سال ۱۳۷۰ و به موجب تصویب قانون مجازات اسلامی جدید حذف شد. قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ و نیز مواد ۱ الی ۱۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال، ۱۳۶۲ مصادیق و موارد متعددی از جرائم ماهیتاً سیاسی را بدون تصریح به عنوان سیاسی آن‌ها، بیان کرده بود. در تبصره ۳ ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی هنگامی که بحث از اشتغال به کار زندانیان بایان اینکه «ترتیب رسیدگی و نحوه احراز شرایط مذکور در فوق نسبت به محکومین جرائم عادی و همچنین چگونگی اشتغال به کار محکومین دادگاه‌های نظامی و محکومین جرائم سیاسی و نیز کیفیت پرداخت اجرت و طریقه محافظت و مراقبت از مجرمین مشغول به کار مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد شورای عالی قضایی به تصویب وزیران دفاع، کشور و دادگستری جمهوری اسلامی خواهد رسید»، اشاره‌ای به مجرمان سیاسی شده بود. خوشبختانه سرانجام در اجرای اصل ۱۲۳ و با توجه به اشاره اصل ۱۶۸ قانون اساسی به جرم سیاسی، قانون جرم سیاسی که شامل شش ماده بود. در مورخه بیستم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در مورخه ۲۹ همان ماه به تأیید شورای نگهبان رسید. به موجب ماده یک این قانون، هر یک از جرائم موضوع ماده (۲) این قانون اعم از اینکه به انگیزه اصلاح امور کشور، علیه مدیریت و مراجع سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد. بدون اینکه به قصد ضربه به اصل نظام باشد، جرم سیاسی محسوب می‌گردد. همچنین طبق ماده ۲ جرائم زیر در صورت رعایت شرایط مندرج در ماده (۱) این قانون جرائم سیاسی محسوب می‌شود.

الف- توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان ب- توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات. پ- جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ ت- جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات. ث- نشر اکاذیب

## ۲. رویکرد شناسی تطبیقی به جرم سیاسی

در پیشینه تاریخی دوره دوم و سوم تحول مفهوم جرم سیاسی در حقوق غرب که به ترتیب «دوره طلایی» و «دوره تعادلی در اعطای امتیاز مجرمان سیاسی» نام‌گذاری شده‌اند، تحولات نظری و تقنینی در ایران رخ داده است. قانون جرائم سیاسی محور اصل ۷۹ متمم قانون اساسی را می‌توان در سه دوره حیات سیاسی جامعه ایران قبل و پس از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی شناخت. دوران پرتلاطم سال‌های اول مشروطه که منجر به انقراض قاجاریه و به قدرت رسیدن رضاخان می‌شود، با دوران طلایی اعطاء ارفاق‌ها و امتیازات به مرتکبین جرائم سیاسی و مخالفان حکومت در غرب مصادف می‌باشد، این در حالی است که در ایران هنوز بر سر اینکه جرم سیاسی چیست اختلاف نظر وجود دارد و جرم سیاسی صرفاً به جرائمی اطلاق می‌شود که توسط مقامات دولتی قابلیت ارتکاب پیدا می‌کند و نه از سوی مخالفان حکومت انجام می‌شود. نزدیکی دو واژه جرم سیاسی و جرم حکومتی تا پایان دوره پهلوی اول چالشی غیرقابل انکار محسوب می‌شد و این موضوع تا بدان جا پیش رفت که نهایتاً بعد از شهریوری ۱۳۲۰ مفهوم جرم سیاسی دایره‌ای گسترده‌تر از خود که اعم از جرم سیاسی و حکومتی از سوی کارگزاران سیاسی بود البته با مرتبه‌ای نازل‌تر از سیاسی بودن جرائم و رفتارهای مخالفین و معارضی با اصل نظام و حکومت شناسایی می‌شد.

از این رو سعی می‌شود پیشینه جرم سیاسی در جهان غرب در مواجهه با جایگاه آن در قانون ایران قبل از انقلاب اسلامی مورد تبیین و بررسی قرار گیرد:

## ۱-۲. مفهوم جرم سیاسی در اروپا تا نیمه سده بیستم

در حقوق کشور فرانسه، در دوران طلایی کارکرد جرم سیاسی، علاوه بر جرائم مرتبط با امور سیاسی مطبوعاتی (بر اساس تعریف بسیار بارز قانون مطبوعات ۱۸۸۱ و اصلاحات بعدی آن)، تمامی عنوان‌های کیفری که از مقررات مربوطه و قضایی استفاده می‌گردند که اعم از جرائم ارتكابی علیه امنیت داخلی و خارجی (Zeinali, 1999) نیز می‌باشند<sup>۱</sup> و همچنین در جرائم تروریستی (Sanei, 2013) آن‌ها به عنوان نمونه‌هایی از جرائم سیاسی شناخته و معرفی می‌شدند و عاملان این جنایات دارای تضمینات و ارفاق‌هایی به عنوان مجرمان سیاسی بودند. این در حالی است که در ایران، همان‌طور که بررسی شد، دوره تاریخی مورد مطالعه همچنان ادامه داشت و بحث عدم وجود جرم سیاسی (غیر مطبوعاتی) مطرح بود و تنها نمونه‌هایی که برای این موضوع شناخته می‌شد نه صرفاً جرائم غیر مطبوعاتی ارتكابی در حوزه‌ی جرایم عمومی، بلکه صرفاً جرائم عوامل و کارگزاران اجرایی سیاسی حکومت می‌باشد که آن هم به نحو اجمال و نه تصریح بر انتساب عناوین مجرمانه مورد اشاره مقنن قرار گرفت (Rahmani, 2012).

## ۲-۲. مفهوم جرم سیاسی در ایالات متحده آمریکا

بسیاری از مخالفت‌های به‌ظاهر عادی شورش یا مخالفت با وضعیت موجود در برهه‌های مختلف تاریخی جرم سیاسی تلقی شده‌اند. این جرائم شامل اعتراض به جنگ، نهضت حقوق مدنی و جنبش زنان نیز می‌شوند (Ross, 2011). برای مثال رهبر نهضت حقوق مدنی، مارتین لوتر کینگ زمانی از جانب اداره تحقیقات فدرال اف بی ای خطرناک‌ترین فرد در آمریکا به شمار می‌آمد، زیرا تصور می‌شد که نظریه‌های او تهدیدی علیه نظم اجتماعی است. حزب «پلنگ سیاه» و دیگر اعضای جناح چپ نو مورد هجوم سازمان‌های دولتی قرار گرفتند زیرا مجرم سیاسی و دشمن کشور تلقی می‌شدند (Gessan, 1995).

از این رو باید در نظر داشت که اصولاً جرائم سیاسی در نظام حقوقی آمریکا با توجه به تاریخ معاصر آن‌ها برگرفته از سلسله اقداماتی همچون: خیانت فتنه‌انگیزی، و جاسوسی می‌باشد. بنابراین در آمریکا و دیگر کشورهایی که حکومت دموکراسی بر آن‌ها حاکم است، پیگردهای مربوط به جرائم سیاسی، اندک هستند و نوعاً منحصر به اعمالی مانند جاسوسی و خیانت می‌شوند (Bassiouni, 2007).

## ۳. رویکردهای قانونی و فقهی به جرم سیاسی در ایران

جرم سیاسی از اصطلاحات حقوق جزا بوده و به عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که هدف آن واژگون کردن نظام سیاسی اجتماعی و برهم زدن نظم عمومی و امنیت کشور است. از این رو باید در نظر داشت که جرم سیاسی به هر عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که انگیزه ارتكاب آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمامداری کشور باشد. این جرم ممکن است به‌تنهایی و یا همراه جرائم عمومی، اجتماعی و امنیتی ارتكاب یابد در اصل ۱۶۸ قانون اساسی از جرم سیاسی اسم برده شده ولی تعریف آن بر عهده قوانین عادی گذاشته شده است. در اصطلاح فقهی جرم سیاسی یا بغی به عملی گویند که گروهی از مسلمانان که تشکیلات قوی دارند و از فرمان و اطاعت ولی امر مسلمین در اثر شبهاتی بی‌اساس که برای آنان به وجود آمده، خارج گردیده با قصد و اختیار اقداماتی را انجام دهند خواه عمل

<sup>۱</sup> به استثنای جرایم آناشستی همچون تحریک به اعتصاب عمومی و تبلیغات برای مرام اشتراکی.

از راه فساد فی الارض و محاربه و یا از راه جاسوسی برای دولت‌های اجنبی و یا جنگ مسلحانه با حکومت اسلامی و یا امور دیگر صورت گیرد.

### ۱-۳. رویکرد تقنینی به جرم سیاسی

هدف غایی از تعریف یک پدیده در نهایت شناسایی مصادیق و موارد عینی و خارجی آن موضوع است، نه فقط بازی با الفاظ و مفاهیم ذهنی و انتزاعی (Zeinali, 1999). قانون جرم سیاسی نیز برای تبیین مفهوم این جرم در کنار ارائه ضابطه قانونی (ماده ۱) از روش احصای مصادیق (ماده ۲) بهره گرفته است. ماده ۲ قانون جرم سیاسی مقرر می‌دارد «جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده ۱ این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند:

الف) توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان؛

ب) توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است<sup>۱</sup> با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات؛

پ) جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۰۶/۰۷؛

ت) جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری ریاست جمهوری مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات؛

ث) نشر اکاذیب».

در ارتباط با عناوین مصرحه از سوی قانون‌گذار به شرح مذکور در ماده ۲ صدرالذکر، این مطلب را نباید از نظر دور داشت که عناوین یادشده به‌ویژه در بندهای «الف و ب»، عناوین واجد مجازات مصرح و ثابت قانونی است و صرف سیاسی اعلام داشتن آن‌ها وصف فاقد اثر متوقع است؛ علاوه بر این قانون‌گذار در ماده ۳ این قانون برخی از مصادیق را از شمول جرائم سیاسی خارج دانسته است.<sup>۲</sup>

در نظام کیفری ایران موارد مصرح در ماده ۲ این قانون جرم سیاسی محسوب نمی‌شوند؛ مگر آنکه مرتکب «ضمن پذیرش اصل نظام جمهوری اسلامی ایران جرائم احصاء شده در ماده ۲ این قانون را بانگیزه اصلاح امور کشور»، «علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ترتیب دهد».

<sup>۱</sup> جای تأمل است که چگونه قانونگذار جرم توهین به برخی مقامهای داخلی و خارجی را که مستوجب پاسخ پیشینی و صریح کیفری در چارچوب سایر مواد است سیاسی انگاشته است؟! ...

<sup>۲</sup> ماده ۳ این قانون در خصوص مصادیق سلبی جرایم سیاسی مقرر می‌دارد «مباشرت مشارکت معاونت و شروع به جرایم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود (الف) جرایم مستوجب حدود، قصاص و دیات؛ (ب) سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی؛ (پ) آدم ربایی و گروگان‌گیری؛ ت بمب گذاری و تهدید به آن هواپیماربابی و راهزنی دریایی؛ و...»



### ۳-۱-۱. انگیزه سیاسی در حقوق ایران

انگیزه بانام‌های داعی، غایت، سبب و محرک نیز از آن یاد می‌شود، حالت روانی و درونی است که قبل از اراده و قصد مجرمانه، محقق می‌شود، یعنی قبل از اینکه مرتکب جرم قصد رسیدن به نتیجه جرم را بنماید هدفی از ارتکاب جرم در ذهن خود دارد که به این هدف، انگیزه یا داعی گفته می‌شود و می‌توان آن را پلان و نقشه ذهنی جرم دانست. بنابراین صراحتاً می‌توان بیان نمود که:

۱. سوءنیت و قصد مجرمانه، با جرم رابطه بلافصلی دارند، اما انگیزه و جرم رابطه دو رو باواسطه‌ای دارند مثلاً در جرم قتل عمد، قتل بلافاصله از قصد قتل، که همان قصد مجرمانه و سوءنیت است محقق می‌شود، اما هدف قتل که ممکن است حسادت یا انتقام یا انگیزه‌های دیگری باشد با عمل قتل رابطه مستقیم ندارد، به‌گونه‌ای که به‌محض حصول این انگیزه‌ها، عمل قتل نیز رخ دهد.

۲. قصد مجرمان در هر جرمی یک‌چیز بیشتر نیست و همه مجرمان همان قصد را دارند؛ اما برای ارتکاب یک جرم، انگیزه‌های مختلفی ممکن است وجود داشته باشد.

۳. سوءنیت و قصد مجرمانه همیشه مذموم و ناپسند است، اما انگیزه را به انگیزه مشروع و پسندیده و انگیزه نامشروع و ناپسند تقسیم می‌کنند. البته (جهت نامشروع) مصادیق احصا شده خاصی ندارد، بلکه به هر جهتی اطلاق می‌شود که برخلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی جامعه باشد.

با جرائم سیاسی که از قدیمی‌ترین انواع جرائم هستند به‌عنوان جرائمی که اساس و پایه حکومت را هدف قرار می‌دهند به شکلی شدیدتر از جرائم عادی برخورد می‌شد، با گذشت زمان این تفکر به وجود آمد که مجرمین مذکور، به دلیل برخورداری از انگیزه شرافتمندانه یعنی اینکه به قصور خود به انجام رسالتشان در جهت بهبود وضع جامعه خود و ایجاد جامعه‌ای آلی که تقریباً در همه ادیان و فرهنگ‌ها دور نهایی از آن ارائه شده است می‌پردازد (Mir Mohammad Sadeqi, 2009).

با تصویب قانون جرم سیاسی در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۰ نیز «انگیزه» مجرمان سیاسی به‌عنوان وجه تمایز آن‌ها از مجرمین عادی مشخصاً تحت عنوان «انگیزه اصلاح امور کشور» البته به شرط آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را نداشته باشد، مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است و به‌موجب ماده ۶ همین قانون، این انگیزه اصلاح سبب اعطای تأسیسات ارفاقی از قبیل جداسازی محل بازداشت در حین دوران حبس و بازداشت نسبت به مجرمان عادی، محدودیت اجرای مقررات در مورد تکرار جرائم، حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس و سایر موارد مندرج در ماده ۶ این قانون را برای مجرمین سیاسی تنها به‌موجب تمایز در انگیزه برای آن‌ها لحاظ کرده است.

### ۳-۱-۱-۱. ماهیت انگیزه در ارتکاب جرم

انگیزه از دیدگاه روانشناسان، جایگاه بسیار مهمی در زندگی موجود زنده دارد و اولین عنصر تشکیل‌دهنده رفتار است. در اصطلاح حقوق جزا نیز به کوشش درونی و میل پنهانی فرد، که او را به‌سوی عمل خاص هدایت می‌کند، انگیزه می‌گویند. در حقوق کیفری از انگیزه به (سبب)، (علت) و (داعی) نیز تعبیر شده است (Nooriha, 1996).

۳-۱-۱-۲. انگیزه شرافتمندانه

انگیزه در اصطلاح روانشناسان عاملی است که باعث فعالیت موجود زنده می‌شود و عبارت است از تمایلات خودآگاه و ناخودآگاهی که رغبت، شوق و گرایش‌های مثبت یا منفی برای فرد در مورد فعالیت‌هایش و برای مجرم در ارتکاب جرم ایجاد می‌کند. مانند مهر، محبت، عشق، سخاوت که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که معمولاً در متون قانونی آن را دلیلی برای معافیت یا تخفیف مجازات می‌دانند (Ardabili, 2005, 2001).

۳-۱-۱-۳. انگیزه در ارتکاب جرم سیاسی

یکی از مفاهیمی که در حقوق جزا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، انگیزه است. البته انگیزه در علوم روانشناسی و جرم‌شناسی هم مورد مطالعه قرار گرفته است. اصولاً انگیزه در توصیف عمل مجرمانه و تحقق جرم بی‌تأثیر است و همین که شخصی با قصد و اراده مرتکب عملی می‌شود که ناقض قانونی اجرا باشد، مستحق مجازات است و انگیزه وی خواه نیک باشد یا بد تأثیری در تحقق جرم و عناصر متشکله آن ندارد، لیکن این اصل کلی در موارد خاص و برای اجرای هرچه بهتر عدالت و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی با استثنائاتی مواجهه که نمونه بارز آن بند (پ) ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ می‌باشد که به انگیزه شرافتمندانه اشاره شده است.

۴. رویکرد قانونی به جرم سیاسی و انگیزه آن در آمریکا

انگیزه سیاسی در دو نظام حقوق ایران و آمریکا همچون دو روی یک سکه می‌باشد. در حقوق ایران همچون قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ جرم سیاسی مشمول رفتاری می‌باشد که با هدف و انگیزه اصلاح امور ارتکاب یابد این در صورتی است که در نظام ایالات متحده آمریکا به ماهیتی اطلاق می‌گردد که با انگیزه و هدف اخلاص در نظام سیاسی آن کشور ارتکاب پیدا نماید از این رو سعی می‌شود مراتب مرتبط با ویژگی‌های برجسته آن‌ها را در دو نظام حقوقی به صورت ذیل ذکر مورد تبیین و بررسی قرار دهیم:

۴-۱. تعریف جرم سیاسی

سه رکن برای مجازات یک شخص مقصر بایستی در نظر گرفته شود شخصی که مرتکب عملی شده که از سوی جامعه «مجرم» نامیده می‌شود. این سه رکن عبارت‌اند از: عمل، شخص و جامعه.

ایجاد توازن بین شخص و حقوق اجتماعی او مهم‌ترین مشکل یک‌رویه قضایی و قانون جنایی می‌باشد. رابرت فراری معتقد است: «قانون فعلی ما این سه رکن را مورد نظر قرار نداده. در واقع عمل انجام شده و جامعه‌ای که شخص در آن مرتکب این عمل (جرم) شده، مورد نظر قانون قرار گرفته‌اند. اما رکن سوم یعنی خود شخص مجرم نه. تا همین چند سال اخیر هم اشخاص سهم کمی در قانون داشتند (یعنی رکن سوم یا همان مجرم). اما با تفکر شخص‌گرایی که رواج یافت و یا رواج تئوری طبقه‌بندی افراد و اشخاص در جامعه، به تدریج این رکن جای خود را پیدا کرد و خواهد نمود. اما تلاش جرم‌شناسان برای از بین بردن رویه‌های قضایی پیشین که ناعادلانه بودند، بسیار تلاش طولانی و قابل تقدیری بوده است» (Ferrari, 1920).

بنابراین از آن جهت که در آمریکا جرم سیاسی به صراحت تعریف نشده پس تعریف قانونی هم از مجرم سیاسی در دست نیست اما آنچه از دکترین حقوق دانان آمریکا به دست رسیده آن است که مجرمان سیاسی کسانی هستند که اهداف عقیدتی و ارزشی قوی دارند که حتی حاضرند بابت آن اهداف جان خود را فدا کنند (Helfgott & Bozekthe, 2008) و آن‌ها درگیر رفتارهایی می‌شوند که غرض اولیه آن‌ها، مخالفت با ایده‌های یک فرد، گروه یا ارگان دولتی بوده و قانون را نقض می‌کنند.

۴-۲. انگیزه شرافتمندانه

به گفته هاگان: «این خود جرم نیست که آن را سیاسی می‌کند بلکه انگیزه و هدف ورای آن است. دیدگاهی که به جرم به دیده ابزاری برای نیل به هدف والا می‌نگرد» (Helfgott & Bozekthe, 2008). ترور سیاسی، قتل عمد است. تخریب اموال در طول اعتراضات سیاسی، خرابکاری محسوب می‌شود. بمب‌گذاری هم در یک ساختمان شلوغ با نیت عمل تروریستی، ایجاد حریق حساب می‌شود که قتل عمد نافرجام (و اگر افرادی در ساختمان کشته شوند) قتل عمد دسته‌جمعی است. با این وجود، جرائم سیاسی دارای ماهیت انگیزشی مجزایی هستند که نباید آن‌ها را نادیده گرفت.

جرم سیاسی از این جهت با دیگر انواع جرم متفاوت است که دارای «انگیزه ایدئولوژیک» است. یعنی با عقیده و اصول اعتقادی افراد مرتبط است و یک «ارزش» انگیزه ارتکاب این جرم است و معمولاً برای تمام ابناء بشر انجام می‌گیرد نه خودخواهانه (Helfgott & Bozekthe, 2008)، لذا تمامی مجرمان سیاسی در داشتن یک انگیزه اعتقادی - ارزشی مشترک هستند، اما درجه‌های بالا و پایینی از تأثیرپذیری دارند، تأثیرپذیری از عوامل روانی، محیطی، فرهنگی، شرایط و وقایع موجود و این اختلاف درجه تأثیرپذیری از این عوامل است که نوع رفتاری که آن‌ها انجام می‌دهند را تعیین می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که انگیزه ایدئولوژیک همان انگیزه شرافتمندانه‌ای است که مجرم سیاسی را از مجرمین عادی متمایز می‌کند.

۴-۳. نقش انگیزه در ارتکاب جرم سیاسی

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، سابقاً در قانون آمریکا رکن سوم جرم یا همان مجرم، سهم کمی در قانون داشت. اما با رواج تفکر شخص‌گرایی و یا رواج تئوری طبقه‌بندی افراد و اشخاص در جامعه، به تدریج این رکن جای خود را پیدا کرد. روند تصویب و تدوین قوانین در آمریکا طوری است که مواد قانونی، عمل واقعی شده را ملاک تعیین جزاء و کیفر می‌داند.

امروزه اگر تفحص و بررسی عمیقی در ذهن مجرمان سیاسی انجام بدهیم به نتایج متفاوت با نظریه اول و سطحی که درباره این مجرمان وجود داشت، خواهیم رسید. بعضاً گفته می‌شود که ذهن این افراد مریض و آلوده به ویروس است که این ویروس برای جامعه انسانی خطرناک است. اما قضات آهسته‌آهسته به نظری متفاوت رسیده‌اند و برعکس این نظر، نوری را در ذهن این افراد می‌بینند که حتی معتقدند وجود این افراد برای جامعه، ضروری می‌باشد. من باب مثال، یک قاضی دادگاه فدرال در ناحیه جنوبی که دفتر وی در شهر نیویورک است معتقد است: که زمان آن رسیده که صدای پیشرفت (ایده این افراد) شنیده شود و این همان نظری است که ما را بر آن می‌دارد که مابین جرم عادی و سیاسی تمییز و افتراق قائل شویم (Ferrari, 1920). بنابراین آنچه مشخص به نظر می‌رسد این است که، در نظام حقوقی آمریکا نیز وجه تمایز جرم سیاسی از سایر جرائم همان انگیزه است که نهایتاً تأثیر آن بر مجازات آشکار می‌شود، البته در این نظام حقوقی خلأ تعریف قانونی جرم سیاسی، خودش بزرگ‌ترین مانع در تشخیص «انگیزه» مجرم سیاسی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به پیچیدگی‌هایی که جرم سیاسی به خود اختصاص داده است باید در نظر داشت توجه به این مفهوم در کنار اصولی همچون آزادی بیان افراد نسبت به نقد تصمیمات دستگاه‌های اجرایی قانونی در اعمال سیاست‌های خود و تعیین یک عنوان مجرمانه در تعیین مجازات مرتکبین رفتارهای تابع انگیزه جرم سیاسی امری بسیار دشوار می‌باشد که در تمام نظام‌های حقوقی موجود در جهان باید مرز تفکیک‌شده میان این دو به تناسب خود مشخص و تعیین مجازات گردد. نظام‌های تقنینی ایران در طول ادوار زمانی قبل و پس از انقلاب اسلامی رویکردی

دووجهی را به خود اختصاص داده بودند. قانون جرم سیاسی نظام مشروطه که بیشتر تحت عنوان جرم حکومتی جرم انگاری شده بود تحت تأثیر الزامات ناشی از تعهدات بین‌المللی دولت رویکردی ناگزیر و انفعالی را به خود اختصاص داده بود. جرم سیاسی در پس از انقلاب رویکردی جامع‌تری را به خود اختصاص داد. شاید اگر قانون‌گذار اساسی در اصل یک‌صد و شصت‌وهشتم خود اقدام به تعریف و ارائه جرم سیاسی نمی‌نمود، الزام و تکلیفی برای قانون‌گذار عادی در راستای تعریف و تدوین جرم سیاسی شکل نمی‌گرفت؛ همان‌طور که بسیاری از کشورها در تدوین قوانین اساسی خود الزامی به مبادرت در تعریف جرم مزبور نداشته‌اند. ترسیم قوانین جزایی و تدوین قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی سنگ بنایی به اهمیت تعیین قوانین مرتبط با جرائم سیاسی از سوی دستگاه‌های قانون‌گذار ایران بوده است. از همین رو در نظام حقوقی کشور ایالات متحده آمریکا در مواجهه با ایران پیشینه‌ای کهن‌تر را از آن خود نموده است. رویکردی را که دکترین حقوقی آمریکا نسبت به تعیین جرائم مجرمین سیاسی دنبال می‌کند رویکردی امنیتی می‌باشد و نظام حقوقی مزبور به این مهم معتقد می‌باشد که نه جرم سیاسی بلکه انگیزه سیاسی مرتکب از آنجاکه می‌تواند منجر به اختلال در نظم و امنیت عمومی کشور شود باید از سوی دستگاه‌های قضایی مورد مواجهه و سرکوب قرار گیرد. دکترین حقوقی آمریکایی به این موضوع اشاره می‌کنند که اصولاً جرمی با عنوان جرم سیاسی در آن کشور وجود نداشته و به سبب آزادی بیان بدون مرزی که در آمریکا وجود دارد اصلاً جرم سیاسی تعیین مصداق ندارد. این در صورتی است که انگیزه سیاسی مرتکبین در جرائمی من جمله شورش، جاسوسی، فتنه‌انگیزی و ... می‌تواند معیاری برای تشدید مجازات مرتکبین قرار گیرد و این رویکرد بدان معنی می‌باشد که نظام حقوقی آمریکا رویکردی امنیتی را نسبت به جرم سیاسی مدنظر قرار داده است. باید در نظر داشت که تقابل انگیزه سیاسی در نظام حقوقی آمریکا در مواجهه با نظام حقوقی ایران که صرفاً در قالب نقد سیاست‌های حاکم به‌منظور اصلاح آن می‌باشد؛ تعارض بیشتری با اصول مرتبط با حقوق بشر داشته است که تعیین مصداق حصری از سوی قانون‌گذار ایرانی در قانون جرم سیاسی دست‌مقام قضایی را برای برخورد غیرامنیتی باز گذاشته است این در صورتی است که قانون‌گذار آمریکایی به دلیل عدم تعیین موازین حصری در بیان مراتب جرم سیاسی، دست‌مقام قضایی و هیئت‌منصفه رسیدگی‌کننده را برای مجازات مرتکبین جرائم سیاسی بسته است.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

Freedom of expression is considered one of the most vital principles related to a civil society, especially when it comes to its interaction with the policies implemented by government authorities. It plays a significant role in the development of human rights, as history has shown that revolutions often arise from political oppression and the government's failure to address social criticism.

Therefore, it is essential to recognize the importance of preserving the fundamental freedoms of individuals, especially their right to express dissent against the ruling regime. This issue presents a delicate balance between protecting individual rights and considering the motivations behind individuals' actions, which may lead to criminal behavior. Political crime, therefore, occupies a central role in understanding this tension, as legal systems worldwide have approached its definition and treatment from various perspectives (Mohseni, 1996).

In a general sense, the legal frameworks regarding the criminalization of political offenses and the motivations behind political criminals can be categorized into three main approaches: the common law system, as followed by countries such as the United Kingdom and the United States; the civil law system, as seen in countries like France and Belgium; and authoritarian or totalitarian regimes, where political offenses are often severely criminalized. Iran's legal history reveals two distinct periods regarding political crimes: before and after the Islamic Revolution. Under the Pahlavi regime, political crime lacked a clear, unified definition, and such crimes were often tried in military courts, symbolizing a repressive response to political dissent. However, following the 1979 Islamic Revolution, political crime found a place in the Iranian Constitution, and in 2016, the Iranian parliament officially passed the Political Crimes Law, marking a significant shift in the legal treatment of such offenses (Zandiyan, 2017; Zeinali, 1999).

The historical evolution of political crime in Iran and its comparative study with other countries shows substantial differences in the definition and treatment of political offenders. In the United States, which follows the common law system, there is no official legal definition of political crime, with criminologists arguing that criminalizing political dissent contradicts fundamental human rights. Despite this, the U.S. has a long history of prosecuting individuals for actions driven by political motives, such as treason, sedition, and espionage. This contradiction is evident in the U.S. legal system's harsh response to political crimes, where even acts of dissent, if deemed to have a political motivation, are subjected to the most severe penalties. For example, laws related to treason, sedition, and espionage are commonly invoked in such cases, with little differentiation between political and security crimes (Mir Mohammad Sadeqi, 2009).

In Iran, however, the passage of the Political Crimes Law in 2016 marked a significant legal development. The law clearly distinguishes between political offenses motivated by the intent to reform the country and those aimed at subverting the political system. This contrast with the U.S. approach, which does not differentiate between security and political crimes, underscores the unique legislative approach in Iran. Furthermore, in Iran, political crime is legally defined and subject to specific protections for the accused, a stark difference from the more repressive approach seen in the United States.

The comparative analysis of political crime in the legal systems of Iran and the United States reveals distinct approaches to understanding and classifying political offenses. In the U.S., political crime is primarily seen through the lens of actions aimed at disrupting the political order, such as espionage, sedition, and treason. These crimes are viewed as inherently dangerous, as they challenge the state's authority and the social order. However, the U.S. legal system generally treats political offenses within the broader framework of national security, without recognizing a specific category of political crime. In contrast, the Iranian legal system has established a more nuanced approach, where political crimes are distinguished based on their motivating intent to reform rather than to overthrow the system.

Iran's legal evolution, particularly after the Islamic Revolution, shows how political crime has been categorized and defined. The Political Crimes Law passed in 2016 outlines specific behaviors that

qualify as political crimes, including actions against government officials and foreign diplomats, as well as specific electoral crimes. This legal framework reflects a shift from a security-oriented approach to one that allows for more nuanced treatment of political offenders, particularly when their actions are driven by the intent to improve governance or address political grievances.

Political motivation plays a crucial role in distinguishing political crimes from other types of criminal behavior in both the Iranian and U.S. legal systems. In Iranian law, the term "political motivation" is closely tied to the notion of "reforming the country" and is explicitly defined in the Political Crimes Law. According to Article 6 of this law, political offenders are granted certain privileges, such as separation from regular prisoners and reduced penalties, provided their actions do not aim to undermine the constitutional order. This reflects a recognition that individuals motivated by political reform may deserve a different legal treatment than those committing ordinary crimes.

In contrast, the U.S. legal system does not explicitly differentiate between political and non-political crimes, treating all crimes driven by political motives as severe offenses. While political motivation can influence the severity of sentencing, it is not legally defined as a separate category, which often leads to the criminalization of political dissent. U.S. law focuses on the consequences of the crime rather than the motivation behind it, and individuals may face severe penalties for acts that are seen as politically motivated, such as protesting against government policies or challenging established political norms (Helfgott & Bozekthe, 2008).

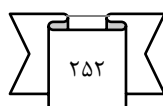
Both the Iranian and U.S. legal systems recognize the importance of motivation in understanding political crimes, but their approaches differ significantly. In Iran, political crimes are specifically linked to actions intended to improve governance, with legal provisions designed to ensure that individuals motivated by reform are not subjected to the same harsh punishments as ordinary criminals. This distinction is essential in Iranian law, as it acknowledges the possibility that political dissent, when aimed at reform, may contribute positively to societal development (Rahmani, 2012).

In the U.S., however, political motivation is often viewed through the prism of national security and social order. The legal system does not offer any specific protections for individuals motivated by political beliefs, and crimes such as espionage, sedition, and treason are prosecuted with little regard for the underlying motivations. This approach can be seen as a reflection of the U.S. legal system's broader focus on maintaining national security and order, even at the expense of suppressing political dissent (Ferrari, 1920).

The legal treatment of political crime in Iran and the United States illustrates the varying approaches to political motivation in the criminal justice system. While Iran has made strides in distinguishing between political crimes motivated by reform and other types of criminal behavior, the U.S. legal system remains more focused on national security concerns, often treating political dissent as a threat to the established order. The Iranian approach, which emphasizes political reform as a mitigating factor, offers a more nuanced understanding of political crime and highlights the importance of motivation in determining legal outcomes. This comparative study underscores the need for a more comprehensive and human rights-based approach to political crime, one that takes into account the motivations behind actions and offers appropriate legal protections for political offenders motivated by reform.

## References

- Ardabili, M. A. (2001). *The Concept of Political Crime in the West: Collection of Discussions from the Meetings of the Committee for Pursuit and Supervision of the Implementation of the Constitution* (Vol. 1). Ettela'at Institute Publications.



- Ardabili, M. A. (2005). *General Criminal Law 1* (Vol. 1). Mizan Publications.
- Bassiouni, M. C. (2007). *International Extradition United States Law & Practice*. Oxford University Press.
- Ferrari, F. H. (1920). *Introduction to Proal's Political Crime*. Grey.
- Gessan, R. (1995). *Theoretical Criminology* (M. Kinya, Ed.). Mojad.
- Helfgott, R. L., & Bozekthe, B. A. (2008). *International Law Dictionary*. ABC-Clio University.
- Mir Mohammad Sadeqi, H. (2009). *Crimes against Security and Public Peace*. Mizan Publications.
- Mohseni, M. (1996). *Course of General Criminal Law* (Vol. 2). Ganj Danesh Publications.
- Nooriha, R. (1996). *Context of General Criminal Law*. Ganj Danesh Publishing.
- Rahmani, Q. (2012). *The Theory of Unity of Political and Press Crimes*. Imam Sadiq University Publications.
- Ross, G. R. (2011). *Political Crime Developments* (H. Gholami, Ed.). Samat.
- Sanei, P. (2013). *General Criminal Law* (Vol. 1). Tarh-e No Comprehensive Negotiations of the Final Review Parliament.
- Zandiyan, N. (2017). *Political Crime in Iranian Law with Emphasis on the Political Crime Law of 2016* [Allameh Tabatabaei University]. Tehran.
- Zeinali, M. R. (1999). *Political Crime and Islamic Criminal Law*. Amir Kabir Publications.